

بهره‌گیری از ابعاد موقعیت در برنامه درسی آموزش دینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

مریم شریفی دروازه*

احمدرضا نصر اصفهانی**

سید ابراهیم میرشاه‌جعفری***

چکیده

با توجه به اینکه بهره‌گیری از ابعاد یک موقعیت در رشد و شکل‌گیری افکار، بسیار مؤثر واقع می‌شود، هدف اصلی این پژوهش، واکاوی نظریات متخصصان علوم دینی و تربیتی، و تجارب زیسته آموزگاران در خصوص نقش موقعیت‌های آموزش دینی در دوره دوم دبستان است و بدین منظور، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان و آموزگاران استفاده کرده‌ایم. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش کدگذاری و مقوله‌بندی صورت گرفته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان به صورت اصول ناظر بر انتخاب بهینه موقعیت‌های آموزش دینی تدوین شده که خود مشتمل بر سه قسم است: مغتنم شمردن فرصت‌ها، درگیری شناختی و عاطفی در موقعیت، و جذابیت و توسعه‌بخشی موقعیت‌ها. براساس تجارب آموزگاران، ابعادی از موقعیت که باید از آنها در اجرای برنامه درسی آموزش دینی استفاده شود، به هشت مقوله تقسیم می‌شوند: موقعیت‌های برهم‌زننده عادت‌ها و نظم طبیعی، موقعیت‌های برانگیزاننده عواطف و احساسات، موقعیت‌های برانگیزاننده اندیشه و تعقل، موقعیت‌ها و فعالیت‌های جمعی، موقعیت‌های غیررسمی، موقعیت‌های زمان بروز مسائل و چالش‌های اخلاقی، موقعیت‌های زمان بروز پدیده‌های طبیعی، و موقعیت‌های اماکن و آثار تاریخی.

واژگان کلیدی: موقعیت‌های آموزشی، آموزش دینی، تجربه زیسته، دوره دوم دبستان.

۱. این مقاله، برگرفته از رساله دکتری با عنوان *تدوین چارچوب مفهومی اجرایی برنامه درسی آموزش دینی در مدارس دوره دوم ابتدایی مبتنی بر تجارب زیسته معلمان و نظرات متخصصین علوم دینی و تربیتی*، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان است.

* دانش‌آموخته دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

sharifi.m2012@gmail.com

Arnasr@edu.ui.ac.ir

** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

jafari@edu.ui.ac.ir

*** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

بیان مسئله

کلاس درس و موقعیت‌های آموزشی، سرشار از فرصت‌هایی هستند که هرکدام از آن‌ها می‌توانند برای حصول یک نتیجه آموزشی و پرورشی، مناسب باشند و به‌کار گرفته شوند. بلوم (1964 به نقل از محمدی و محمدی، ۱۳۹۲) موقعیت یادگیری را عبارت از وضعیت، نیروها و محرک‌های بیرونی‌ای تعریف کرده است که فرد را به چالش می‌کشاند. این نیروها ممکن است وضعیت و نیروهای فیزیکی، اجتماعی، فکری و ذهنی باشند (محمدی و محمدی، ۱۳۹۲). یکی از عناصری که باید در برنامه درسی آموزش دینی مورد توجه قرار گیرد، اهمیت نقش موقعیت و بهره‌برداری آموزگاران از این عنصر در آموزش دینی است. در موقعیت عرضه محتوای برنامه درسی به دو بُعد اشاره می‌شود: نخست، بعد فیزیکی که مکان نامیده می‌شود؛ دوم، بعد غیرفیزیکی که فضا یا فرهنگ نام دارد (موسی‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۸-۲۹۰)؛ زیرا به عقیده احمد^۱ (2013)، بعد فیزیکی (اندازه و شکل، فضا، نور داخلی، رنگ، وضعیت حرارتی، میزان صدا، مبلمان و صندلی، و امکانات تکنولوژیک) و بعد روانی- اجتماعی (تعامل بین دانش‌آموزان، تعامل بین دانش‌آموزان و معلمان، و تعامل بین دانش‌آموزان و محیط) کلاس درس به ایجاد رضایتمندی از آموزش و یادگیری کمک می‌کند و در یادگیری دانش‌آموزان به‌میزانی چشمگیر مؤثر است.

فضا و فرهنگ به وجه غیرمادی موقعیت اطلاق می‌شود و حاکی از آن است که در هر موقعیت، شاهد حضور آداب، سنن، ارزش‌ها، رسوم، باورها، احساسات و تمایلاتی هستیم که به موقعیت تعلق دارند. این وجه وجودی موقعیت، وجه پنهان آن است؛ ولی آثارش به روشنی قابل رؤیت هستند. وجه مورد بحث، از وضعیت زمانی و مکانی هم اثر می‌پذیرد (موسی‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۸-۲۹۰). برونر^۲ بر این نکته تأکید کرده است که یادگیری و اندیشیدن، همواره در موقعیت‌های فرهنگی قرار دارند و متکی بر استفاده از منابع فرهنگی هستند؛ از این روی، یادگیری تابع فرصت‌ها و امکان‌هایی است که موقعیت‌های فرهنگی، آن‌ها را برای ما فراهم می‌کنند. موقعیت‌های فرهنگی، انباشته از معانی هستند و این معانی در یک فرایند مستمر تأویل و تفسیر واقعیت‌ها در ذهن آدمی

1. Che Ahmad
2. Bruner

به‌وجود می‌آیند (فاضلی، ۱۳۹۰، ص. ۳۸). متخصصان حوزه‌ی تعلیم و تربیت همچون کول^۱ (1974)، ورج^۲ (1985) و برونر (1984) فرایند یادگیری را کارآموزی فرهنگی در تجارب اجتماعی، تفکر را فرایند محاوره‌ای تسهیل‌شده از طریق ابزارهای فرهنگی، و فرایندهای اجتماعی و فرهنگ را شیوه‌ی مشترک زندگی در اجتماعاتی قلمداد کرده‌اند که از طریق به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی، فناوری‌ها، مصنوعات و مفاهیم به‌صورت مستمر بازسازی می‌شوند (As Cited in: Kumpulainen and Renshaw, 2007). اصولاً یادگیری در خلأ و در فضایی دور از تعاملات اجتماعی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه تابعی است از فعالیت، بافت (محیط و جهان) و فرهنگ. وقتی فرد یادگیری در یک محیط خاص را آغاز می‌کند، درواقع، رفتارها و نظام اعتقادی اعضا و فرهنگی را که با آن‌ها تعامل دارد، دریافت می‌کند (صفایی موحد و محبت، ۱۳۹۱، ص. ۹۱)؛ از این روی، توجه به رابطه‌ی برنامه‌دستی و فرهنگ سبب می‌شود برنامه‌های درسی، هرچه بیشتر به تجارب واقعی زندگی دانش‌آموزان نزدیک شوند و بدین صورت، زمینه برای یادگیری و به‌تبع آن، آموزش اثربخش فراهم آید (Milner, 2010).

نظریه‌ی شناخت موقعیتی را در دهه‌ی ۱۹۸۰، افرادی همچون براون^۳ و همکاران، لاو، ونگر^۴ و کالینز^۵ به‌عنوان واکنشی دربرابر نظریه‌ی پردازش اطلاعات مطرح کردند. طرفداران این نظریه به شناخت اجتماعی- فرهنگی باور دارند و معتقدند ذهن در حالت انزوا و دور از الزام‌های موقعیتی معناسازی نمی‌کند؛ بلکه شناخت، محصول بودن ما در اجتماع فرهنگی است (قاسم‌پور خوش‌رودی، تلخابی، دهقانی و صالحی، ۱۳۹۸، ص. ۵۹).

موقعیت‌گرایی به‌لحاظ تاریخی با رواج آرای دیویی در تعلیم و تربیت اهمیت می‌یابد و در الگوی تربیتی دیویی، مفهوم موقعیت در ارتباط با خلق لحظه‌های تدریس معنا پیدا می‌کند. دیویی (1916) خلق انواعی خاص از موقعیت‌ها را شاهراه یادگیری دانسته است که تمام حوزه‌های آموزش، اعم از مهارت‌ها، نظریه‌ها، امور واقع و ارزش‌ها را

1. Cole
2. Wertsch
3. Brown
4. Lave and Wenger
5. Collins

شامل می‌شود. در طرح دیویی برای انگیزش دانش‌آموزان، معلمان باید به‌جای استفاده از استراتژی‌های رفتارگرایانه مبتنی بر تقویت رفتار، به مؤلفه‌های موجود در موقعیت توجه کنند که با علایق و گرایش‌های دانش‌آموز ارتباط برقرار می‌کند؛ از این روی، ساختن یک موقعیت، نیازمند شناخت شخصیت، پیشینه، ذائقه و سازمان عاطفی دانش‌آموزان است. در این موقعیت‌ها معلمان باید به‌جای تمرکز بر موضوع‌ها و محتوای درسی، بر گرایش‌ها و عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان که تابع نیازها و استعدادهای کنونی‌شان است، متمرکز شوند (حسین‌پور صباغ، شرفی، علم‌الهدی و سوزنچی، ۱۳۹۸، ص. ۶).

نظریه شناخت موقعیتی، یک تغییر رویکرد به یادگیری و تدریس است و دیگر یادگیرندگان صرفاً به‌عنوان دریافت‌کنندگان دانش و فهم آنچه مریبان یا دیگر منابع به دست می‌دهند، در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه منظور از این نظریه، دانشی است که در نتیجه تعامل معلم، یادگیرندگان و دیگر منابع ساخته می‌شود و معلم و یادگیرندگان، آن را به‌کار می‌گیرند. تعامل بین عوامل یادگیری از چندین راه صورت می‌گیرد و مهم‌ترین مشخصه آن، کنش مشترک بین طیفی از مشارکت‌کنندگان است (Greeno, 2014, p. 4). براساس مفاد این نظریه، یادگیری و تربیت، چیزی جز شکل‌گیری معنا برای انسان نیست و معنا براساس تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد (Brown, Collins and Duguid, 1989; Lave and Wenger, 1991).

بهره‌برداری از ابعاد موقعیت در آموزش دینی هم آثار تربیتی‌ای ارزشمند دارد و مقارنت مکان‌ها با امور و وقایع، خود، مبدأ آثار ویژه‌ای است؛ لذا مفهوم موقعیت به این مکان‌ها نیز ناظر است. توجه خاص خداوند متعال در قرآن کریم به طبیعت و تأکید بر مشاهده و مطالعه پدیده‌های آن، نقش و جایگاه مهم طبیعت در تربیت انسان را نشان می‌دهد و هدف از توصیه آموزه‌های این کتاب آسمانی به مشاهده‌کردن آیات طبیعی، بیش از هر چیز، اثبات اصل وجود خدای یکتاست (بهشتی و شکری‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۲۱). سیل، زلزله، توفان، ماه‌گرفتگی، خورشیدگرفتگی و رعدوبرق نیز از دیگر موقعیت‌های زمانی طبیعی‌ای محسوب می‌شوند که فرصت مناسب برای تأمل و تفکر را فراهم می‌کنند. از آنجا که هریک از این موقعیت‌ها به‌گونه‌ای روال زندگی عادی‌ای را

که با آن خو گرفته‌ایم، برهم می‌زنند و ما را در وضعیتی جدید قرار می‌دهند، از نظر ایجاد آمادگی برای پذیرش آموزه‌ها اهمیت می‌یابند (دانشمند، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۹-۱۶۰). یکی از عواملی که به تحریک انگیزه‌ها و احساسات، و جلب توجه انسان‌ها کمک می‌کند، رخ دادن بعضی حوادث یا مشکلات مهمی است که وجدان‌های آن‌ها را تکان می‌دهد و توجهشان را برمی‌انگیزد و خاطرشان را به خود مشغول می‌کند. طبیعی است که مسلمانان هنگام وقوع این‌گونه حوادث که وجدانشان را برمی‌انگیزد، دارای آمادگی‌ای بیشتر و حالتی پذیراتر برای پندآموزی و عبرت‌گرفتن همه‌جانبه هستند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۷-۲۴۸). درواقع، هنر مربیان، تبدیل کردن موقعیت‌های ناخوشایند به فرصت‌های سازنده است. مربی بصیر و خلاق، با شناخت و تصمیم‌گیری سنجیده، از همان موقعیت‌هایی که صورت منفی و ناخوشایند دارند، فرصت‌هایی مثبت و سازنده می‌سازد. درک درست وضعیت، پرهیز از هیجان‌زدگی، و عمل کردن متناسب با فضا و موقعیت، از ویژگی‌های مهم مربیان موفق است (اسماعیلی مبارکه، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۲).

امروزه، نقش موقعیت در آموزش و بهره‌برداری از آن برای افزایش دادن اثرگذاری آموزش، مغفول واقع شده و از یادها رفته است. در جامعه کنونی، موقعیت در آموزش به مکان آموزش که همان کلاس درس است، محدود شده و به حالات و ابعاد حاکم بر موقعیت توجهی نمی‌شود. اگرچه ابعاد فیزیکی موقعیت مانند نور، رنگ، دما، اندازه، و شکل و میزان صدا زمینه‌ای مساعد را برای یادگیری فراهم می‌کنند، توجه به ابعاد غیرفیزیکی موقعیت همچون فضا، فرهنگ، و حالات روانی و عاطفی، و بهره‌گیری از آن‌ها اثرگذاری آموزش را چندین برابر می‌کند.

طبیعی است که انتقال آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و عبادی در موقعیت‌های گوناگون، یکسان نیست؛ بلکه بسته به نوع موقعیت‌ها و میزان تناسب آن‌ها با مخاطب، شاهد اثرگذاری‌هایی متفاوت هستیم. موقعیت‌ها اگر به‌درستی تعیین شوند و از آن‌ها درست استفاده شود، می‌توانند انتقال برخی آموزه‌های دینی متناسب با خود را تحقق بخشند یا تأثیرشان را دوچندان کنند؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که بر مبنای نظرهای متخصصان علوم دینی و تربیتی و نیز

تجارب زیسته آموزگاران، چگونه می‌توان از نقش هر موقعیت به‌منظور بهره‌برداری بهینه از آن در برنامه‌دستی آموزش دینی استفاده کرد. برای دست‌یافتن به پاسخ این سؤال، پرسش‌های زیر از دو گروه آموزگاران و متخصصان پرسیده شد:

الف) از متخصصان: بهره‌برداری از چه موقعیت‌هایی برای آموزش دینی، مناسب است؟

ب) از آموزگاران: از چه موقعیت‌هایی برای آموزش دادن مفاهیم، ارزش‌ها و احکام دینی به دانش‌آموزان استفاده می‌کنید؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، رویکرد پژوهش حاضر، کیفی و از نوع پدیدارشناختی است و با استفاده از این روش، مقوله‌های فکری گروه مورد نظر برای توصیف نگرش‌ها و رفتارهایشان بررسی می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). برای بررسی دیدگاه‌های متخصصان علوم دینی و تربیتی درباره نقش موقعیت در آموزش دینی، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ نفر مصاحبه‌شونده استفاده شد؛ همچنین به‌منظور گردآوری تجارب زیسته آموزگاران، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سیزده آموزگار دوره دوم ابتدایی صورت گرفت. به‌منظور انتخاب متخصصان علوم دینی و آموزگاران مقطع ابتدایی، از نمونه‌گیری هدفمند با رعایت اصل اشباع نظری استفاده کردیم و گزینش متخصصان علوم دینی هم از میان استادان و پژوهشگران فعال در مؤسسه‌ها و مراکز حوزوی و تربیتی صورت گرفت که در زمینه تربیت دینی، پژوهش‌هایی انجام داده بودند. انتخاب هدفمند آموزگاران از طریق معرفی سرگروه‌های آموزشی و راهبران آموزشی اداره‌های آموزش و پرورش نواحی و استان قم انجام شد.

تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی، با استفاده از روش تحلیل تفسیری صورت گرفته است. تحلیل تفسیری، فرایندی برای بررسی دقیق داده‌های پژوهش کیفی و هدف اصلی آن، یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهای است که برای توصیف و تبیین پدیده مورد پژوهش به کار می‌روند (گال، بورگ و وگال، ۱۳۹۴). بدین منظور، ابتدا به ترتیب، مصاحبه‌هایی که به صورت مکتوب درآمده بودند، مرور شدند و در هر متن، گفته‌های اساسی برجسته شد. پس از اتمام مرور کلیه متن‌ها، به‌منظور اطمینان‌یافتن از

برجسته‌کردن گفته‌های اساسی، یکی از متخصصان علوم تربیتی، مرور همتا را انجام داد؛ سپس با مرور گفته‌های اساسی، مجموعه‌ای از مقوله‌ها از پاسخ‌های مربوط به هر سؤال استخراج شد و عناوینی ساده به آن‌ها اختصاص یافت. از اولین مصاحبه‌هایی که به شکل مکتوب درآمد بودند، مقوله‌هایی متعدد استخراج شد؛ اما به تدریج، در متن‌های بعدی، تعداد عناوین استخراج‌شده کاهش یافت؛ زیرا مصاحبه‌شوندگان به نکات مشابهی اشاره کرده بودند. پس از مرور و بررسی مجدد مقوله‌ها، نظام مقوله‌بندی با متن مکتوب مصاحبه‌ها مقایسه شد تا معلوم شود پدیده‌ی توصیف‌شده در متن مصاحبه، ذیل یکی از مقوله‌های نظام مقوله‌بندی قرار می‌گیرد یا خیر. درنهایت، تحلیل در قالب یک جدول تنظیم شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، براساس تحلیل تفسیری داده‌های حاصل‌شده از مصاحبه، نظرهای متخصصان علوم دینی و تربیتی، و تجارب زیسته‌ی آموزگاران که حاصل سال‌ها فعالیت نظری و عملی آنان در حوزه‌ی تربیت دینی کودکان بوده است، به دست داده می‌شود. یافته‌های حاصل‌شده از مصاحبه با متخصصان به صورت اصول ناظر بر انتخاب بهینه‌ی موقعیت‌های آموزش دینی تدوین شده‌اند که خود شامل سه اصل استفاده از فرصت‌ها، جذابیت‌دادن و تنوع‌بخشی به موقعیت‌ها، و فعال‌کردن بچه‌ها در موقعیت هستند؛ درحالی که تجارب آموزگاران، مشتمل بر پرکاربردترین موقعیت‌هایی است که به هشت مقوله تقسیم می‌شوند و در ادامه، آن‌ها را شرح می‌دهیم. یافته‌های حاصل‌شده از مصاحبه با متخصصان بدین شرح است:

۱. اصل مغتنم‌شمردن فرصت‌ها

به طور کلی، فرصت‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی موقعیت‌های طراحی‌شده از سوی آموزگار و دیگری موقعیت‌های طبیعی. دسته دوم، خود، مناسبت‌های مذهبی، وقایع طبیعی مانند زلزله و خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی، مرگ و تولد و... و مسائل پیش‌آمده در روابط دانش‌آموزان را شامل می‌شود. منظور از اتفاقات طبیعی، هر حادثه‌ای است که به صورت طبیعی رخ می‌دهد و از قبل برای وقوع آن برنامه‌ریزی نشده است؛ ولی ذهن دانش‌آموزان را درگیر می‌کند و می‌توان از آن به عنوان چالشی برای آموزش

دینی استفاده کرد. موقعیت‌های طراحی شده نیز به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های پرچالش، از قبل، از سوی معلمان باهدف انتخاب می‌شوند و می‌توانند زمینه‌ساز مناسبی برای آموزش دادن مسائل اخلاقی باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ درخصوص نقش موقعیت‌ها در آموزش دینی اظهار داشته است:

موقعیت‌هایی که ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کند، بهترین موقعیت‌ها برای آموزش هستند؛ البته خیلی مهم است که معلم چطور برنامه‌ریزی کند؛ چون بعضی وقت‌ها چالش‌هایی که ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کند، چالش‌هایی جدی است؛ مثلاً خیلی وقت‌ها عزیزانشان را ازدست می‌دهند و شبهاتی درخصوص عدالت خداوند پیش می‌آید. بعضی وقت‌ها اصلاً زمان مناسب برای پرداختن به آن موضوع هست؛ مثل مرگ، تولد، اعیاد و مناسبت‌ها. بعضی حوادث طبیعی مثل خسوف، کسوف. این‌ها فقط جهت احکامی ندارد. خیلی ابعاد نسبت به آن‌ها می‌شود مطرح کرد.

در همین راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ استفاده از موقعیت‌های پیش‌آمده را به‌طور کلی، محملی برای انتقال یافتن مفاهیم دینی دانسته و معتقد است موقعیت‌های مناسب می‌توانند حمایتگر یادگیری باشند و در انتقال دادن مفاهیم به دانش‌آموزان کمک کنند. وی اظهار داشته است:

ما قائل به مکان و زمان مشخص نیستیم. یک اصل در آموزش دینی داریم: اصل استفاده از فرصت‌ها. ائمه ما از هر فرصتی برای آموزش استفاده می‌کردند؛ وگرنه کلاس آموزشی که نمی‌گذاشتند؛ مثلاً امام علی - علیه السلام - وقتی از جنگ صفین برگشت و به قبرستان پشت دروازه کوفه رسید، رو به مردگان کرد و فرمود: «ای ساکنان خانه‌های وحشت‌زا و محله‌های خالی و گورهای تاریک! ای خفتگان در خاک! ای غریبان! ای تنه‌اشدگان! ای وحشت‌زدگان! شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم و به شما خواهیم رسید؛ اما خانه‌هایتان، دیگران در آن سکونت گزیدند و اما زنانان با دیگران ازدواج کردند و اما اموال شما در میان دیگران تقسیم شد این خبری است که ما داریم. حال، شما چه خبر دارید؟» سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود: «بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، شما را خبر می‌دادند که بهترین توشه، تقوا است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰).

درحوزه آموزش دینی، مکان و زمان، بسته به خود مخاطب است؛ یعنی الان مخاطب آماده دریافت این مطلب است. ما چرا این مفهوم را به او منتقل نکنیم؟

الان دانش‌آموز این سؤال را کرد؛ یک فرصت ایجاد شد که من این موضوع را بگویم. نباید گفت این موضوع برای فلان درس هست. زمان و مکان را باید با توجه به اقتضای حال بگوییم؛ لذا در بحث آموزش دینی چون دین با زندگی بچه‌ها سروکار دارد، پس ما دین را به زندگی بچه‌ها می‌بریم.

۲. اصل جذابیت‌دادن و توسعه بخشی به موقعیت‌ها

براساس مفاد این اصل، موقعیت به‌عنوان فراهم‌کننده محملی برای یادگیری، دارای نقشی مکمل و اثرگذار است و موقعیت‌های تکراری و کسل‌کننده نمی‌توانند نقش حمایتگر را در فرایند یادگیری دانش‌آموزان ایفا کنند. هر قدر موقعیت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان، جذابیت و تنوع بیشتری داشته باشند، دانش‌آموزان به آن موضوع، علاقه بیشتری پیدا می‌کنند و در مقابل جاذبه‌های موقعیت، واکنش‌های عاطفی و عملی نشان می‌دهند؛ مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ در این زمینه اظهار داشته است:

باید فضا را به‌گونه‌ای فراهم کنیم که باب طبع کودک باشد. اگر غذای خوبی سر سفره باشد، ظاهر و بوی خوبی داشته باشد، خودبه‌خود، کسی که گرسنه هست و سر سفره نشسته، به سمت سفره کشیده می‌شود. اگر فضا نامطلوب و سرد باشد، هیچ کس به طرف آن نمی‌رود. ما باید فضا را طوری فراهم کنیم که کودک خودش احساس نیاز کند و به سمت آن برود. ما باید مفاهیم و ارزش‌ها را مثل خدانشناسی، در جای درستش به کودک ارائه بدهیم؛ وگرنه آن دانش و ارزش به خودی خود، بی‌ارزش می‌شود. اگر کودک، معلم، طبیعت، فضا، همه با هم با مدیریت و تدبیر، فضا را فراهم کنیم، آن ارزش به صورت غیرمستقیم منتقل می‌شود.

موقعیت‌های آموزش نباید فقط به کلاس درس محدود شود؛ بلکه با توجه به موضوع آموزش و جلب علاقه دانش‌آموزان در زمان‌ها و فضاهای متفاوت توسعه داده شود. توسعه آموزش دینی در فضاهای مختلف، با تأکید بر بهره‌بری از ابعاد هر موقعیت، فرصت تأمل و تفکر دقیق‌تر درخصوص مفاهیم دینی را برای فراگیران فراهم می‌آورد و درحقیقت، به ایجاد نگرش‌های متفاوت در آنان منجر می‌گردد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ نیز درباره این مسئله گفته است:

بچه‌ها باید دین‌داری را در فضاهای مختلف تجربه کنند: یک بار بازار بروند و یاد بدهیم دین‌داری در بازار یعنی چه، دین‌داری در نانوايي یعنی چه، دین‌داری در فضاهای مختلف یعنی چه. دین‌داری نباید فقط محدود به مسجد شود. دین‌داری را

باید در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف توسعه داد و به بچه‌ها یاد داد؛ همچنین برای بچه‌ها جذاب باشد. من دوست داشتم بچه‌ها را به باغ‌وحش ببرم. مگر خداوند در قرآن نگفته است: «به نشانه‌های من نگاه کنید! به شتر نگاه کنید چگونه آفریده شده است!»؟ بچه‌ها را جایی ببریم که به شتر نگاه کنند.

۳. اصل درگیری شناختی و عاطفی در موقعیت

انسان ذاتاً موجودی است فعال که در جریان امور دخالت می‌کند تا تضمینی برای دوام عمل خویش به وجود آورد و تعادلی را که بین او و محیط وجود داشته و موقتاً به هم خورده است، به حالت اولیه بازگرداند (شکوهی، ۱۳۶۹، ص. ۱۴۳)؛ بنابراین، درحوزه آموزش دینی باید موقعیت‌هایی فراهم آیند که زمینه‌ساز تعامل و فعالیت دانش‌آموزان باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ درباره این مسئله معتقد است: «هرجا و در هر نوع آموزشی اگر میزان سطح درگیری مخاطب در جریان یادگیری را بیشتر کنیم، فراگیری هم بیشتر و هم پایدارتر می‌شود».

درگیر و فعال کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، از طریق برانگیختن عواطف، احساسات، و قوه تعقل و تفکر آنان امکان‌پذیر است.

جدول ۱. اصول آموزش دینی از دیدگاه متخصصان علوم دینی و تربیتی

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌ها	فراوانی
۱	اصل مغتنم شمردن فرصت‌ها	موقعیت‌های چالش‌برانگیز طراحی شده، موقعیت‌های طبیعی، فرصت‌های غیررسمی، موقعیت‌های روانی و عاطفی	۴
۲	اصل جذابیت‌دادن و توسعه‌بخشی به موقعیت‌ها	محیط‌های بازی و مسابقه، توسعه‌دادن آموزش دینی به موقعیت‌های واقعی از جمله بازار و باغ‌وحش و نانوايي، جذاب‌کردن موقعیت	۳
۳	اصل درگیری شناختی و عاطفی در موقعیت	موقعیت‌های پروژه‌محور، تجربه‌های عملی زندگی، طراحی فعالیت‌های عملی	۵

در ادامه، یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با آموزگاران را ذیل هشت مقوله بدین

شرح معرفی و بررسی می‌کنیم:

۱. «افلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت».

۳-۱. موقعیت‌های برهم‌زننده عادات‌ها و نظم طبیعی

سیل، زلزله، آتشفشان، آذرخش، خورشیدگرفتگی، ماه‌گرفتگی، و مسائل و چالش‌های اجتماعی‌ای که روال عادی زندگی روزمره را تغییر می‌دهند، از جمله پدیده‌های طبیعی‌ای هستند که به دلیل برهم‌زدن عادات روزمره، ایجاد ترس و رعب، و معمابرانگیز بودن، سبب بیداری و آگاهی انسان‌ها می‌شوند. برهم‌زدن روال عادی زندگی، موقعیتی را فراهم می‌کند که حاصل آن، رشد فهم و درک انسان است؛ مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۲ طبق اظهارات خود، هنگام وقوع پدیده‌های طبیعی مثل زلزله، ضمن اشاره به قدرت خداوند متعال، از این موقعیت‌ها برای آموزش دادن نماز آیات به دانش‌آموزان استفاده کرده بود. خداوند متعال در مقام تربیت انسان، او را به بلاها دچار می‌کند و در واقع، بلاها موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها نظم و روال معمول زندگی برهم می‌خورد. در آیات قرآن کریم، آشکار است که خدا انسان‌ها را به دو صورت دچار بلا می‌کند: یکی با تنگ دستی یا غنا؛ دیگری با دشواری یا راحتی. هنگام بروز تنگ‌دستی و دشواری، صبر انسان آزموده می‌شود و در غنا و راحتی، شکر او؛ پس هم تنگ‌دستی و دشواری، بلاست و هم غنا و راحتی؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: «و ما شما را به بد و نیک مبتلا می‌کنیم تا بیازماییم» (انبیاء، ۳۵) (باقری، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۶-۱۵۷).

هدف از سختی‌هایی که خداوند- تبارک و تعالی- در دنیا برای انسان پیش می‌آورد و فراتر از آن، به تعبیر قرآن، نعمت‌هایی نیز که در دنیا به انسان می‌دهد، این است که استعداد‌های باطنی نهفته در وجود انسان بروز کنند و فعلیت یابند. انسان از نظر حالات روحی، درست همچون نوزادی است که به لحاظ جسمی، این استعداد را دارد که یک جوان برومند بشود و باید به تدریج رشد کند تا این مقصود تحقق یابد. انسان از جهت کمالات واقعی و نفسانی، یعنی آنچه استعدادش را دارد، نخست، در حد بالقوه است و می‌تواند این استعدادها را فعلیت بخشد؛ اما اکنون که این فعلیت را تحقق نبخشیده است، از یک طرف به واسطه سختی‌ها و از طرف دیگر به واسطه نعمت‌هایی که به او داده می‌شود، در معرض چنین امتحانی قرار می‌گیرد تا به حد کمال برسد. باید این

۱. «وَنَبَلِّغُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً».

۲. «وَلَنَبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ».

سختی‌ها برای انسان پیش بیایند؛ زیرا در پی تحمل آن‌ها صبر، مقاومت، پختگی و کمال به دست می‌آید و موضوع این نوید و بشارت واقع می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج. ۴، ص. ۲۷۵).

فراهم آوردن موقعیت‌های آموزشی یا حتی فعالیت‌های سرگرم‌کننده‌ای که در آن‌ها نظم عادی به هم خورده است، به‌منظور فعلیت‌بخشیدن به اندوخته‌های نهفته در ذهن دانش‌آموزان و رشد و تجربه‌کردن در آموزش دینی، بسیار ضروری است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ استفاده از موقعیت‌های چالش‌زا و طراحی‌شده در اردو را برای آموزش دینی، بسیار مؤثر دانسته و گفته است:

ما افراد را در موقعیت قرار می‌دهیم. کل اردو بحثش در موقعیت قراردادن بچه‌هاست؛ مثلاً فیش غذا را گم می‌کنیم، ببینیم بچه‌ها چه کار می‌کنند یا قاشق و چنگال به بچه‌ها نمی‌دهیم تا رفتارهای آن‌ها را ببینیم. در این موقعیت‌ها است که بچه‌ها دانش‌های نهفته در ذهنشان را بیدار می‌کنند و به خودشان می‌آیند.

این‌گونه موقعیت‌ها ماهیتی مسئله‌زا و چالش‌محور دارند و فراگیر برای خروج از چالش و دستیابی به تعادل شناختی و عاطفی و حل مسئله باید تفکر، تعامل و تجربه کند. این‌گونه موقعیت‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نظام ارزشی و اخلاقی فرد را به چالش بکشند و وی را مبتلا به انتخاب کنند. او باید در این موقعیت‌ها یاد بگیرد که بین خواسته‌ها و انتظارات خودش و دوستانش تعادل برقرار کند و حتی در شرایطی معقولانه، خواسته‌های دیگران را بر خواسته‌های خودش مقدم شمارد.

۲-۳. موقعیت‌های برانگیزاننده عواطف و احساسات

مرگ، تولد، قهر و آشتی، اختلاف‌های پیش‌آمده بین دانش‌آموزان و بیماری، موقعیت‌هایی هستند که موجب بروز احساسات خوشایند یا ناخوشایند در آن‌ها می‌شوند. این موقعیت‌ها براساس میزان تحریک احساسات و عمق اثرگذاری‌شان، به‌نوعی انسان غافل را هوشیار می‌کنند و به اندیشیدن وامی‌دارند و حتی گاهی زمینه ایجاد تحول در فرد را فراهم می‌کنند. واکنش معلمان در استفاده از این موقعیت‌ها که گاه به‌صورت مطرح‌کردن سؤال یا بیان‌کردن احادیث، آیات و... نمود می‌یابد، بر ایجاد تحول در دانش‌آموزان، بسیار اثرگذار است.

بهره‌گیری از ابعاد موقعیت در برنامه درسی آموزش دینی/ مریم شریفی دروازه و دیگران ۱۷

مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱ و ۶ از رخ‌دادن مرگ و وابستگی دانش‌آموزان برای آموزش‌دادن معاد و لزوم احترام‌گزاردن به پدر و مادر استفاده کردند. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱ اظهار داشت:

از موقعیت‌ها و فرصت‌های پیش‌آمده برای آموزش استفاده می‌کنم؛ مثلاً ابتدای سال، مادر بزرگ یکی از دانش‌آموزانم فوت کرده بود و او تقریباً به مدت یک هفته از این موضوع، ناراحت بود. من از این موقعیت استفاده کردم و درخصوص معاد برای دانش‌آموزان صحبت کردم، مرگ را به‌عنوان یک نعمت الهی معرفی کردم و از بچه‌ها خواستم دیدگاهشان را درباره مرگ بیان کنند: چرا خداوند این دنیا را آفرید و چرا این دنیا ختم به مرگ می‌شود و چرا خداوند جهان دیگر را آفرید؟

مصاحبه‌شونده شماره ۶ درباره این مسئله گفت:

من برای آموزش احترام به پدر و مادر سعی کردم احساسات دانش‌آموزان را تحریک کنم که البته هم‌زمان با فوت مادرم بود و فرصت را غنیمت دیدم و از آیه‌ها و روایاتی استفاده می‌کردم که اهمیت احترام به پدر و مادر را بیان می‌کرد و باعث شده بود بچه‌ها در منزل، رفتار خوبی با پدر و مادرشان داشته باشند و والدین به من بازخورد می‌دادند.

در موقعیت‌هایی که عواطف و احساسات برانگیخته می‌شوند، روح انسان برای دریافت حقایق، پذیرا و آماده‌تر است. شناخت و بهره‌برداری از این لحظات طلایی در آموزش دینی، نیازمند درایت و آگاهی آموزگار است.

۳-۳. موقعیت‌های برانگیزاننده اندیشه و تعقل

از آنجا که تفکر و تعقل، زمینه‌ساز اصلی برای ایجاد عقاید و باورهای دینی است، بدون وجود آن، آموزش دینی و به‌معنای کامل‌تر، تربیت دینی تحقق نمی‌یابد و شخصیت فرد شکل نمی‌گیرد. فردی که شخصیت داشته باشد تقلید نمی‌کند و تحت تأثیر هر حرف و عقیده‌ای قرار نمی‌گیرد. چنین انسانی در برابر هر مسئله، چرایی دارد و در برابر هر عقیده، سنگری؛ بنابراین، آموزش دینی باید به‌منظور فراهم‌کردن موقعیت‌هایی صورت گیرد که در آن‌ها تأمل و تحریک تعقل و اندیشه‌ورزی ممکن باشد؛ چنان‌که مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۷ اذعان داشته است:

از موقعیت‌هایی در آموزش استفاده می‌کنم که فرصت به‌کارانداختن تفکر و تعقل را در دانش‌آموزان فراهم کند؛ همان‌طور که حضرت علی - علیه السلام - به شخصی که توقع بیش‌ازحد از بیت‌المال داشت، فرمود: «جمعه بیا!». حضرت ایشان را به نماز جمعه برد و فرمود: «توقع بیش‌ازحد یعنی سرقت مال این جمعیت». دیدن جمعیت کثیر نماز جمعه، وجدان دینی متقاضی را بیدار کرد و وی به اشتباه خویش پی برد (به نقل از قرائتی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۸).

۳-۴. موقعیت‌ها و فعالیت‌های جمعی

مراسم و شعایر اسلامی، سیمای دین را در قالب رفتارها و نمادها نشان می‌دهند. برخی از این مراسم و شعایر مانند حج و نماز جمعه، واجب و برخی دیگر مستحب‌اند. روزه به خودی خود، یک عمل فردی است؛ اما وقتی در یک ماه معین و به‌صورت دسته جمعی انجام می‌شود، به‌شکل یک مراسم درمی‌آید. در این ماه، فضای شهرهای اسلامی، رنگ‌وبویی دیگر به خود می‌گیرد و همین عمل روزه‌داری با مراسم‌های دیگر مانند مجالس دعا، سفره‌های افطاری و کمک به فقیران همراه می‌شود و بدین ترتیب، تأثیرش تا چندبرابر افزایش می‌یابد. سوگواری برای امام حسین (ع) و یاران ایشان، مجموعه‌ای از مراسم و شعایر است که درس‌هایی بزرگ همچون عشق به خداوند متعال، مبارزه با ظلم و دفاع از حقیقت اسلام را برای جامعه همراه دارد. به‌حق می‌توان گفت مراسم‌های دینی، بهترین بستر برای صورت‌گرفتن آموزش دینی و نیز شکل‌گیری و تقویت پیوند قلبی انسان مسلمان با محتوای دین است. این مراسم‌ها یک نعمت بزرگ است که خداوند متعال آن را در دین اسلام برای مسلمانان قرار داده تا آنان در مراسمی فعال، پویا، بانشاط، دارای هیجان، و برخوردار از روحیه تعاون و ده‌ها ویژگی سازنده دیگر، خود را تربیت کنند و اعتقادات خویش را قوام بخشند. دوره ابتدایی، بهترین زمان برای برگزاری این مراسم است تا از این رهگذر، تربیت دینی و آموزش‌های مرتبط با آن به دانش‌آموزان منتقل شود و در قلبشان خانه کند. مسئله مهم این است که کودکان در این مراسم، نقش خود را ایفا کنند و در جایگاه بزرگ‌ترها قرار نگیرند؛ همچنین مفاهیمی به آنان تحمیل نشود که برایشان قابل درک نباشد. کودکان را می‌توان هم در مراسم‌های شادی و سوگواری شرکت داد و هم در مراسم‌های دقیق و دارای احکام واجب مثل

نماز جمعه، روزه‌داری و حج؛ به شرطی که آنان در همان مراسم‌ها کودکی کنند، جنب و جوش داشته باشند، تحت سیطره نظم سخت‌گیرانه قرار نگیرند و بتوانند احساسات طبیعی خود را بروز دهند (اعتصامی و راصد، ۱۳۹۰، ص. ۸۶).

تجمع‌های مسلمانان در اعیاد اسلامی و مراسم‌های برگزار شده در سال‌روز ولادت و وفات پیامبر (ص) و شهادت ائمه اطهار (ع)، فرصت‌هایی مناسب را برای کاشتن بذر محبت در دل دانش‌آموزان فراهم می‌کنند و تقارن این ایام با آموزش دینی می‌تواند فضا و فرهنگ را به گونه‌ای مساعد کند که دل و ذهن انسان برای پذیرش حقایق، آماده‌تر شود؛ مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۳ درباره این مسئله اظهار داشته است:

اگر بچه‌هایی هستند که زمان شهادت حضرت فاطمه، در برنامه مدرسه، یک مطلب قشنگ و با اهنگ حزین می‌خوانند، معلوم است که دلش با حضرت فاطمه است و خوب درک کرده و شناخته و سعی می‌کند از آن‌ها الگو بگیرد.

مصاحبه‌شونده شماره ۵ نیز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) را موقعیتی مناسب برای آموزش دینی می‌دانست و از قبل، برای بهره‌گیری از این مناسبت برنامه‌ریزی می‌کرد. وی گفته است:

مثلاً امسال، روز مادر جشن گرفتیم. مادرها را دعوت کردم و گفتم مادر بزرگ‌ها را هم بیاورند. سعی داشتم احترام به والدین را به بچه‌ها یاد بدهم. قرار شد مادرها روی صندلی‌های کلاس بنشینند و بچه‌ها سرپا بایستند و بچه‌ها دست‌های مادر و مادر بزرگشان را ببوسند.

انجام دسته‌جمعی بسیاری از اعمال و مراسم‌های اسلامی، موقعیت‌های مناسبی برای آموزش دینی فراهم می‌کند. بسیاری از آموزگاران با بررسی موضوعات درسی کتاب هدیه‌های آسمان سعی می‌کنند متناسب با مناسبت‌های قمری تدریس کنند؛ مثلاً درس «یک جهان جشن» و آموزش امامت امام علی (ع) را هم‌زمان با روز عید غدیر تدریس می‌کنند و یا درس‌های مربوط به رشادت‌های امام حسین (ع) و حضرت علی اکبر (ع) را در ایام محرم تدریس می‌کنند.

۳-۵. موقعیت‌های غیررسمی

معمولاً وقتی دانش‌آموزان از چهارچوب خشک قوانین کلاس خارج شوند و در فضایی قرار گیرند که احساس صمیمیت و آزادی در آنجا بدون هیچ‌گونه اجباری حکم‌فرما

باشد، اثرپذیرتر خواهند بود و برای یادگیری داوطلبانه تلاش خواهند کرد؛ چنان‌که مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۳ که از نمایش دادن تصاویر تأمل‌برانگیز موقعیت‌های اخلاقی برای آموزش دادن مسائل دینی استفاده می‌کرد، اذعان داشته است:

من این تصاویر را در کلاس، در مواقع مختلف، گاهی حتی زمانی برای استراحت و ایجاد تنوع در کلاس نمایش می‌دهم. درمورد تصاویر بحث می‌کنیم و توضیح می‌دهیم؛ به عبارتی هروقت با بچه‌ها در کلاس هوس کنیم؛ مثلاً بین تدریس اجتماعی، علوم، ریاضی و فارسی، هروقت موضوعش مطرح شود.

از آنجا که اردوهای دانش‌آموزی، فضای روانی هیجان‌برانگیز و جذابی را فراهم می‌کنند که برای دانش‌آموزان، مطلوب است، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان موقعیتی غیررسمی برای آموزش دادن مسائل دینی استفاده کرد؛ چنان‌که مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۶ و ۱۳ موقعیت‌های ایجادشده در اردوهای دانش‌آموزی را فرصتی مناسب برای آموزش دادن مسائل اخلاقی به دانش‌آموزان دانسته‌اند.

مصاحبه‌شونده شماره ۷ علاقه‌مندی دانش‌آموزان به فوتبال و فراهم‌شدن موقعیتی واقعی و غیررسمی از این طریق برای نمایش دادن عملکرد اخلاقی به آنان را فرصتی مناسب برای آموزش دادن مسائل اخلاقی دانسته و گفته است:

من یکی از کارهایی که کردم، بردن بچه‌ها به فوتبال هست؛ چون بچه‌ها عاشق فوتبال هستند. در سالن فوتبال، خیلی از برخوردها و رفتارهای دانش‌آموز خوب را یاد می‌دهم؛ برخوردهایی که با هم می‌کنند. بچه‌ها در کلاس از نظر اخلاقی، کمتر خودشان را نشان می‌دهند؛ ولی در سالن فوتبال، دیگر آزاد هستند؛ آنجا می‌توانند مثل یک رفیق با هم حرف بزنند؛ دیگر از قالب کلاس و دانش‌آموز خارج شدند. من آنجا به‌عنوان داور هستم و اعتراض‌هایی که می‌کنند، به آن‌ها بازخورد می‌دهم و چون بحث معلم - شاگردی نیست، راحت‌تر قبول می‌کنند.

مصاحبه‌شونده شماره ۹ فرصت آزاد برای آموزش دادن مسائل دینی را این‌گونه تبیین

کرده است:

... به‌خصوص زمان‌هایی که بچه‌ها احساس نمی‌کنند الان این درس هست؛ مثل وقتی که نمازخانه هستیم یا زنگ ورزش هستیم؛ مثلاً من زنگ ورزش، بعد از اینکه بینم بچه‌ها کاملاً بازی کردند و حسابی تخلیه شدند، آخر زنگ ورزش، همیشه

بهره‌گیری از ابعاد موقعیت در برنامه درسی آموزش دینی/ مریم شریفی دروازه و دیگران ۲۱

خم می‌شدم و زباله‌های روی زمین را جمع می‌کردم. بعد از مدتی دیدم این کار بدون اینکه من حرفی به بچه‌ها زده باشم، تبدیل به یک قانون برای بچه‌ها شده و به رفتار من نگاه می‌کنند و این رفتار را تقلید می‌کنند.

علاوه بر موقعیت‌های ذکر شده، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ به اهمیت استفاده از فرصت‌های غیررسمی برای آموزش دادن مسائل دینی که مورد توجه کودکان است، اشاره کرده و گفته است:

معلم بدون توجه به هرگونه عناصر دیگر می‌تواند کار کند؛ برای همین، به مربیان می‌گوییم: «بهترین زمان شما وقتی است که در خوابگاه، اتوبوس، سالن غذاخوری هستید. این زمان‌ها بهترین موقعیت‌هایی است که می‌توانید استفاده کنید؛ زمانی که بچه‌ها فکر کنند درس نیست». همه تلاش ما این است کلاس را از حالت کلاس بودن بیرون بیاوریم؛ نه تنها در درس دینی؛ در درس‌های دیگر هم همین طور است؛ یعنی زمانی که معلم آزمایش علوم را انجام می‌دهد، از نظر دانش‌آموز، یک پرفسور است؛ چون اتفاق، اعجاب‌برانگیز است. این اعجاب یعنی ایجاد ابهام و بعد، کشف که یک اصل تربیتی است؛ مثل هیجانی که یک میز ساده ماسه می‌تواند ایجاد کند.

اردوها، گردش‌های علمی، باغچه مدرسه و به‌طور کلی، فضاهای باز به دلیل جذابیت، واقعی بودن و معمابرانگیز بودنشان موقعیت‌های غیررسمی مناسبی را برای آموزش‌دهی و به ویژه آموزش دادن مسائل دینی فراهم می‌کنند و این موقعیت‌ها در کنار بُعد سرگرم‌کننده و غیررسمی‌ای که دارند، می‌توانند در آموزش و پرورش دینی هم مؤثر باشند. آموزگاران می‌توانند به ابعاد آشکار و نهفته این موقعیت‌ها توجه کنند و فرصت‌هایی را به وجود آورند که در آن‌ها دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم اخلاقی و اعتقادی را تجربه کنند.

۳-۶. زمان شکل‌گیری مسائل و چالش‌های اخلاقی

در فضای کلاس و مدرسه، مسائل زیادی بین دانش‌آموزان اتفاق می‌افتند که در صورت وجود نداشتن آگاهی کافی برای مواجهه تربیتی با آن‌ها، مخل و مزاحم فرایند آموزش محسوب می‌شوند؛ اما از آن سوی، آمادگی و توانایی برای برقراری عملکرد تربیتی در چنین موقعیت‌هایی، به نوبه خود، آموزش به‌شمار می‌آید. برخی معلمان از این موقعیت‌های پیش‌آمده برای آموزش دادن اصول اخلاقی به دانش‌آموزان استفاده می‌کنند

و در واقع، هنر معلمان، تبدیل کردن موقعیت‌های ناخوشایند به فرصت‌های سازنده است. از نظر این گروه از معلمان باید دانش‌آموزان را در مسند قضاوت و صدور حکم درباره رفتار خودشان یا دیگران قرار داد تا آنان قادر به تشخیص دادن درست از نادرست و تصمیم‌گیری صحیح باشند. دانش‌آموزان در موقعیت‌ها و تجارب واقعی زندگی روزانه، آداب و اخلاق را فرامی‌گیرند؛ بنابراین نباید به آن‌ها بی‌توجهی کرد یا صرفاً مسکنی موقت را برای آرام‌کردنشان در آن موقعیت‌ها به کار گرفت.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ از تمام موقعیت‌های ایجادشده در کلاس برای آموزش دادن اخلاق و اعتقادات استفاده کرده و معتقد است:

دانش‌آموزی دارم که تنها فرزند خانواده است و همه بچه‌ها را با اسم‌های ناشایست صدا می‌زند. یک روز، تقریباً حدود ده نفر از دانش‌آموزان از او ناراضی بودند و شکایت او را پیش من آوردند تصمیم گرفتم در کلاس، یک دادگاه تشکیل دهم: من به‌عنوان قاضی، خانم راستین به‌عنوان متهم و خانم رشیدی به‌عنوان شاکی. از این طریق، خود بچه‌ها رفتار دانش‌آموز را تجزیه و تحلیل کردند. بچه‌ها با زبان خودشان و در فضایی که ایجاد شده بود، رفتار دانش‌آموز را نقد کردند. اگر من مستقیماً او را تیرباران می‌کردم و مستقیم می‌گفتم: «راستین»، جبهه می‌گرفت. به‌جای اینکه مستقیم بگویم، از بچه‌ها کمک گرفتم. لحظه‌لحظه کلاس، مبتلابه بچه‌ها هست. از همه مسائلی که برای بچه‌ها پیش می‌آید، استفاده می‌کنم که مسائل اخلاقی را به آن‌ها آموزش دهم. علوم، ریاضی و... فراموش می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند، آداب و اخلاق و نحوه معاشرت بچه‌هاست.

معلمانی که به استفاده کردن از موقعیت‌ها به‌عنوان یکی از عناصر برنامه درسی اهمیت می‌دهند، علاوه بر اینکه از همه فرصت‌های پیش‌آمده برای آموزش دادن بهره می‌گیرند، خودشان نیز موقعیت‌هایی را طراحی می‌کنند. از آنجا که آموزش دادن مسائل دینی در دوره ابتدایی، شامل سه حوزه وسیع اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی است، با توجه به محدودیت‌های رشد شناختی در درک اعتقادات، حوزه اخلاق در دوره ابتدایی، نقشی پررنگ‌تر دارد و آموزش دادن مسائل اخلاقی در اولویت آموزش‌های دوره ابتدایی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، معلمان برای آموزش دادن اخلاق باید به دنبال طراحی و به‌کارگیری موقعیت‌هایی باشند که در آن‌ها اخلاق و رفتار دانش‌آموزان بروز

کند؛ یعنی موقعیت‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموزان در مسند داوری قرار گیرند، به‌دنبال معیارها باشند، تصمیم بگیرند، انتخاب کنند، تمایلات خویش را کنترل کنند و رفتار کنند. درواقع، این موقعیت‌ها فرصتی مناسب برای تمرین کردن و فعلیت‌بخشیدن مفاهیم اخلاقی هستند و از بازی‌های گروهی مانند فوتبال می‌توان بدین منظور استفاده کرد؛ چنان‌که مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ موقعیت‌های طراحی‌شده در بازی فوتبال را که موردعلاقه دانش‌آموزان است، برای آموزش دادن مسائل اخلاقی انتخاب کرده است:

مثلاً فوتبال چالشی است. ما در بازی، بچه‌ها را می‌شناسیم؛ مثلاً وقتی وقتی عصبی می‌شوند، چه کار می‌کنند. روی مشکل بچه‌ها کار می‌کنیم؛ مثلاً بخشش را آنجا آموزش می‌دهیم و بستر خوبی برای آموزش است؛ مثلاً خیلی پیش می‌آید که بچه‌ها با هم دعوا می‌کنند. یکی به یکی توپ را زده و ناحق هم زده. معمولاً به‌جای اینکه بگوییم: «چرا زدی؟ مادر و پدرت را بیاور!»، می‌آییم و می‌گوییم: «شما به‌ناحق، ایشان را زدی». حالا که توپ خورده و گریه می‌کند و هر لحظه آماده است که طرف دیگر را بزند، می‌گوییم: «دوتا کار می‌توانی انجام بدهی: ۱. قصاص کنی: همان‌طور که زده، تو هم بزنی. اگر قصاص کنی، عادل و عدالت را اجرا کردی. بالاخره یک حقی اینجا از شما ضایع شده. ۲. می‌توانی ببخشی. اگر ببخشی، احسان کردی. در «زیارت جامعه کبیره»، عبارتی داریم: «عادتکم بالاحسان». اینجا مختاربودن و حق انتخاب پیش می‌آید. با اینکه آماده بود برای زدن؛ ولی وقتی قدرت انتخاب می‌دهی و ملاک هم می‌دهی». بخشش را انتخاب کرد؛ چون به او انتخاب دادیم، شخصیت دادیم و ملاک دادیم و حالا انتخابش را به رسمیت می‌شناسیم.

۳-۷. زمان بروز پدیده‌های طبیعی

رنگین‌کمان، باران، طلوع و غروب خورشید، پیدایش فصل‌ها، سال، و روز و شب از جمله پدیده‌های طبیعی هستند و به‌دلیل ظهور نشانه‌هایی از وسعت رحمت و قدرت خداوند متعال از طریق آن‌ها، بیداری و آگاهی را برای انسان‌ها ارمغان می‌آورند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اظهار داشته است: «من بچه‌ها را هنگام باران به حیاط مدرسه می‌برم تا زیر باران دعا کنند و احساسشان را بگویند». وی با این کار قصد

داشته است با نمایش دادن زیبایی‌های باران و دعاکردن زیر باران به دانش‌آموزان کمک کند احساس نزدیک بودن با خدا را تجربه کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ آغاز فصل بهار را زمانی مناسب برای آموزش دادن توحید و خداشناسی، و هفته معلم را فرصتی مناسب برای آموزش دادن مسائل حوزه نبوت دانسته است.

۳-۸. اماکن و آثار تاریخی

موزه‌ها از دیگر فضاهایی هستند که می‌توان در آن‌ها مسائل دینی را آموزش داد. این مکان‌ها رسانه‌هایی قدرتمند برای انتقال دادن مفاهیم دینی محسوب می‌شوند و درعین حال، فضاهایی مناسب برای عبرت‌گیری از وقایع گذشته به‌شمار می‌آیند. برخی موزه‌ها به‌صورت خاص برای آموزش دادن مفاهیم دینی ایجاد شده‌اند و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان پایگاه‌هایی مناسب برای آموزش دینی استفاده کرد. «موزه دین و دنیا» و «موزه فقه و زندگی» در قم از جمله این مکان‌ها هستند. مصاحبه‌شونده شماره ۶ از «موزه دین و دنیا» برای آموزش دینی استفاده کرده و در این زمینه گفته است:

من برای آموزش دینی، بچه‌ها را به «موزه دین و دنیا» در مسجد جمکران می‌برم. در این موزه درکنار زیبایی‌هایی که انسان را به وجد می‌آورد، در قالب آیات و روایات دینی نیز مردم با این موضوع آشنا می‌شوند و نقش مهمی در ترویج سبک زندگی اسلامی دارد. در این موزه، با به‌کارگیری حس بصری، احکام و موضوعات دینی در قالب تجسمی و با تصاویر و بیانی شیوا به نمایش گذاشته شده.

جدول ۲. نقش موقعیت در آموزش دینی بر اساس تجارب زیسته آموزگاران

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌ها	فراوانی
۱	اماکن و آثار تاریخی	استفاده از مکان‌های مقدس مانند مساجد، حرم‌ها، امام زاده‌ها، گلزار شهدا و نمازخانه‌های مدرسه‌ها؛ بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌های دائمی درحوزه آموزش مفاهیم دینی	۹
۲	موقعیت‌های غیررسمی	مانند اردوها، زنگ ورزش، حیاط مدرسه، گفت‌وگوهای غیررسمی بین معلم و دانش‌آموزان	۸
۳	موقعیت‌ها و فعالیت‌های جمعی	مناسبت‌ها (اعیاد اسلامی، ولادت و وفات پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- و شهادت ائمه-علیهم السلام)، برگزاری مراسم‌های احیا در شب قدر و افطاری‌دادن در ماه مبارک رمضان	۸

بهره‌گیری از ابعاد موقعیت در برنامه درسی آموزش دینی/ مریم شریفی دروازه و دیگران ۲۵

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌ها	فراوانی
۴	زمان بروز مسائل و چالش‌های اخلاقی	اختلافات و مسائل پیش‌آمده بین دانش‌آموزان، مسائل و چالش‌های اخلاقی	۴
۵	موقعیت‌های برانگیزاننده عواطف و احساسات	موقعیت‌های عاطفی-روانی (مرگ، تولد، بیماری، و قهر و آشتی)	۳
۶	زمان بروز پدیده‌های طبیعی	رنگین‌کمان، باران، طلوع و غروب خورشید، پدایش فصل‌ها، سال، و روز و شب	۳
۷	موقعیت‌های برانگیزاننده اندیشه و تعقل	تأمل و تعقل برانگیز	۳
۸	موقعیت‌های برهم‌زننده عادت‌ها و نظم طبیعی	سیل، زلزله، آتشفشان، آذرخش، خورشیدگرفتگی، ماه گرفتگی، مسائل و چالش‌های اجتماعی برهم‌زننده روال طبیعی، ایجاد یک چالش در موقعیت مدرسه	۴

بحث و نتیجه‌گیری

از جمله عناصری که اغلب هنگام طراحی و تدوین یک برنامه درسی مورد توجه قرار می‌گیرد، تعیین زمان و مکان آموزش است. معمولاً ساعاتی از هفته برای آموزش دادن هر درس در نظر گرفته می‌شود و آموزش‌دهی در مکانی به نام کلاس درس صورت می‌گیرد؛ اما در خصوص آموزش دینی، لازم است با نگاهی متفاوت به این عناصر بنگریم و از ابعاد مغفول این عناصر به منظور آموزش دادن دین به کودکان و پرورش دادن آنان بهره‌برداری کنیم. موقعیت عبارت است از با هم دیدن وضعیت زمانی و مکانی، و بهره‌بردن از آن. در تبیین این عنصر سعی شده است از برهم‌زدن وضعیت زمانی و مکانی عادی برای آموزش دادن استفاده و به وجه غیرمادی موقعیت توجه شود. یافته‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان به صورت اصول ناظر بر انتخاب بهینه موقعیت‌های آموزش دینی تدوین شده که شامل سه اصل است: مغتنم‌شمردن فرصت‌ها، درگیری شناختی و عاطفی در موقعیت، و جذابیت‌دادن و توسعه‌بخشی به موقعیت‌ها؛ درحالی که براساس تجارب آموزگاران، ابعادی از موقعیت که باید در اجرای برنامه درسی آموزش دینی از آن‌ها استفاده شود، شامل هشت مقوله بدین

شرح‌اند: موقعیت‌های برهم‌زننده عادت‌ها و نظم طبیعی، موقعیت‌های برانگیزاننده عواطف و احساسات، موقعیت‌های برانگیزاننده اندیشه و تعقل، موقعیت‌ها و فعالیت‌های جمعی، موقعیت‌های غیررسمی، زمان بروز مسائل و چالش‌های اخلاقی، زمان بروز پدیده‌های طبیعی، و اماکن و آثار تاریخی.

از آنجا که موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی، فرهنگی و اجتماعی، مبدأ اثرگذاری‌های متفاوت بر انسان‌ها هستند، برای ایجاد حالات مطلوب در آن‌ها لازم است روابطشان با وضعیت موردنظر را تغییر دهیم. آنچه بیشتر موردنظر است، جنبه بالفعل موقعیت‌ها و اثرآفرینی آن‌هاست. باید روابط عادی افراد با وضعیت‌های زمانی مختلف را تغییر داد و به تناسب، توجه آن‌ها را به موقعیت‌های ویژه زمانی معطوف کرد؛ زیرا میزان نمو حالات آدمی در این‌گونه موقعیت‌ها چشمگیرتر است. این نکته را نه تنها به تأثیرات برخاسته از طبع مکان‌ها و زمان‌های مختلف، بلکه به خواصی نیز می‌توان تعمیم داد که به سبب مقارنت زمانی با واقعه‌ای ظهور می‌کنند؛ از این روی، شب قدر در اسلام، قدر ویژه‌ای دارد؛ چون شب نزول قرآن و هنگام نزول ملائکه است (باقری، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۱-۱۴۲).

موقعیت‌های زیادی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها برای آموزش دادن مسائل دینی استفاده کرد. گاه این موقعیت‌ها به صورت طبیعی شکل می‌گیرند و گاه باید متناسب با آموزش، موقعیتی را ساخت. لازم است نگاه محکوم‌بودن به آموزش در فضای کلاس تغییر کند و براساس نظرات متخصصان، از فرصت‌های پیش‌آمده برای آموزش‌دهی مفاهیم دینی استفاده شود. درواقع، هنر معلم، بهره‌برداری از فرصت‌ها و به‌ویژه تبدیل کردن ابعاد منفی آن‌ها به جنبه‌های مثبت است. بروز پدیده‌های طبیعی و وقوع مسائل برهم‌زننده نظم طبیعی از جمله فرصت‌های مناسب برای آموزش‌دهی مفاهیم دینی هستند. طبیعت، و کشف و شناخت پدیده‌ها و ارتباط بین آن‌ها آیاتی برای شناخت فاعلیت خداوند متعال در خلقت محسوب می‌شوند و موقعیت‌هایی تأمل‌برانگیز را ایجاد می‌کنند. موقعیت‌هایی که نظم پدیده‌های طبیعی یا نظم طبیعی و روال عادی زندگی انسان‌ها را به هم می‌ریزند، سبب بروز تحول در وجود انسان‌ها می‌شوند. این موقعیت‌ها انسان‌ها را در وضعیتی قرار می‌دهند که به آن‌ها عادت ندارند و باید برای

مواجهه با آن‌ها به دنبال راه‌حل باشند. این‌گونه موقعیت‌ها می‌توانند انقلابی را در روح و ذهن انسان‌ها به پا کنند.

تکرار وقایع و وضعیت‌ها هیچ‌گاه به یادگیری نمی‌انجامد؛ بلکه انسان در ورطه سختی‌ها و آزمایش‌های الهی یاد می‌گیرد و رشد می‌کند. در راحتی و تکرار، فرصتی برای به‌کار بستن و رشد دادن اعتقادات و اخلاق وجود ندارد و در مقابل، برهم‌زدن نظم عادی، انسان را به تصمیم‌گیری و انتخاب وادار می‌کند؛ بنابراین، آموزش دینی باید از حالت یکنواخت و موقعیت‌های ساکن خارج شود و به‌صورت ایجاد موقعیت‌های چالش‌برانگیز درآید. گاهی موقعیت‌های چالش‌زا به‌صورت طبیعی ایجاد می‌شوند و گاهی آموزگاران باید موقعیت‌هایی را برای درگیر کردن دانش‌آموزان در مسائل اعتقادی و اخلاقی فراهم کنند.

گاه باید موقعیت ساخت و گاه باید از موقعیت‌های پیش‌آمده برای آموزش دادن بهره گرفت. دین، راه درست زندگی است؛ بنابراین، خارج از واقعیت‌های زندگی نمی‌توان به آن پرداخت و صرفاً با اندوختن دانسته‌ها نمی‌توان کودکان دین‌دار و متعهد به اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی را پرورش داد. صرف گوش دادن به سخنرانی‌های آموزگار در کلاس درس نیز برای دین‌دار شدن کودکان، کافی نیست.

براساس نظر بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت، یادگیری باید معنادار باشد. جیمز مک دونالد (1980)، وضعیت و کیفیت محیط آموزشی مناسب را چنین شرح داده است:

یادگیری باید در محیطی صورت گیرد که ارائه‌کننده فرصت‌های تازه و جدید برای هر دانش‌آموز باشد. چنین محیطی باعث می‌شود تا یادگیرنده، خود و محیط اطرافش را با روش خود کشف کند. مسلماً چنین شرایطی می‌تواند برای معلمان نیز فرصت‌هایی را بیافریند تا راه‌های مختلف برخورد با دانش‌آموزان را بیابند (سیف، ۱۳۷۸، ص. ۴۴).

حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا بدون توجه به وضعیت زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و روانی، و بدون بهره‌برداری از آن می‌توان به یادگیری معنادار دست یافت یا خیر. یادگیری معنادار به موقعیت‌های معنادار نیاز دارد و یکی از ویژگی‌های روش تدریس مؤثر، ایجاد موقعیت‌های معنادار برای فعالیت دانش‌آموزان است.

موقعیت معنادار عبارت است از موقعیتی که در آن، تجربیات یادگیری رغبت‌انگیز و رضایت‌بخش برای کودک فراهم می‌شود. مهارت‌های اساسی از طریق چنین موقعیت‌هایی به دست می‌آیند. وقتی هدف، کسب مهارت حل مسئله است، باید برای دانش‌آموز، مسئله‌ای مناسب و قابل حل را تعیین کنیم؛ به گونه‌ای که او برای حل آن مسئله، انگیزه فعالیت داشته باشد؛ همچنین اگر بخواهیم مهارت برقراری روابط گروهی را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، باید فعالیت‌هایی متناسب با علایق آنان را پیش‌بینی کنیم تا با رغبت و علاقه در کار گروهی مشارکت کنند (ملکی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱). در اصل، بدون توجه به وضعیت زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و روانی، یادگیری برای دانش‌آموزان، پوچ و بی‌معنا می‌شود و آنان رغبتی برای یادگیری ندارند. آموزش دینی باید در روابط اجتماعی و موقعیت‌های طبیعی صورت گیرد.

اصل درگیری شناختی و عاطفی در موقعیت، به درگیری و فعال کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری از طریق برانگیختن عواطف و احساسات، و قوه تغفل و تفکر آنان اشاره می‌کند و درواقع، ناظر بر بهره‌برداری از عناصر و عواملی در موقعیت‌های آموزش دینی است که به تحریک کردن و برهم زدن تعادل اندیشه و احساسات دانش‌آموزان می‌انجامد. این‌گونه موقعیت‌ها ممکن است با ایجاد یک خلأ شناختی یا عاطفی در فرد بروز کنند و تعادل وی را برهم زنند و این خلأ و احساس نیاز، فرد را تا رسیدن به تعادل درگیر می‌کند. براساس یافته‌های حاصل از تجربه زیسته آموزگاران، موقعیت‌های برانگیزاننده اندیشه و تعقل، و موقعیت‌های برانگیزاننده عواطف و احساسات، ذیل این اصل قرار می‌گیرند.

اصل دیگری که در بهره‌گیری از موقعیت بر آن تأکید می‌شود، جذابیت‌بخشی است. معمولاً آموزش در موقعیت‌هایی که غیررسمی محسوب می‌شوند و حکم اجباری بودن آموزش در آن‌ها جاری نیست، برای یادگیری اثرگذارتر است.

آموزش دینی باید موقعیتی را فراهم آورد که در آن، احساس اجبار و تحمیل به فراگیران دست ندهد. معمولاً فرصت‌های غیررسمی که در آن‌ها دانش‌آموزان احساس آموزش رسمی و مستقیم ندارند (مانند ساعت ورزش یا اردوهای دانش‌آموزی)، برای آموزش دادن مفاهیم دینی به صورت غیرمستقیم، بسیار مؤثرند. در این‌گونه موقعیت‌های

غیررسمی، دانش‌آموزان به صورت غیرمستقیم به آموزش نیاز پیدا می‌کنند. مراسم اسلامی نیز علاوه بر اینکه از خلاقیت‌های دین اسلام برای ترغیب مسلمانان به دین‌داری به صورت جمعی محسوب می‌شود، یکی از بهترین موقعیت‌ها را برای آموزش‌دهی مفاهیم دینی فراهم می‌آورد. اعیاد اسلامی، مراسم عزاداری، نماز جماعت و بسیاری دیگر از مراسم دارای امتیاز انجام‌دادن اعمال و آداب اسلامی به صورت جمعی همراه با برانگیختن عواطف و احساسات هستند. معلم موقعیت‌شناس باید فرصت لازم را پیدا کند و توانایی بهره‌گیری از موقعیت‌های گوناگون را برای آموزش‌دادن و اثرگذاری بر شناخت، نگرش و عملکرد دانش‌آموزان داشته باشد. نتایج پژوهش بهروز و ضرغامی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد یادگیری درخور باید امکان حضور خودانگیخته گروه‌های کودکان در محیط‌های طبیعی را فراهم آورد.

آموزش‌دهی هنگام قرارگرفتن در آثار تاریخی نیز به واسطه تحریک بصری و غنای محیط می‌تواند به ایجاد تحول در دانش‌آموزان بینجامد. براساس نتایج پژوهش ارغیانی (۱۳۹۹)، مکان‌های مطلوب و خوشایند که قادر به تحریک بصری هستند، سبب می‌شوند افراد دارای آگاهی و شناخت محیطی بیشتری باشند. درواقع، هر قدر مکان دارای غنای بیشتری باشد، افراد به بودن با همدیگر ترغیب می‌شوند. ایجاد احساس جمعی، وضعیتی مناسب را برای رشد و تحول اخلاقی، اجتماعی و جسمانی دانش‌آموزان فراهم می‌کند و فهم حس جمعی در حوزه‌های مختلف، مورد توجه محققان است. در علم جامعه‌شناسی بر این مسئله تأکید می‌شود که چگونه افراد به یک مکان تعلق دارند، و بیشتر به پیوندهای اجتماعی و عاطفی بین افراد در یک مکان اشاره می‌شود که به ادراک ذهنی و احساس افراد در یک مکان می‌پردازد.

آموزش‌دهی مفاهیم دینی به نگرشی متفاوت، معنادار و هدفمند به موقعیت نیاز دارد که حتی برگ سبز درخت را به معرفتی از آفریدگار مبدل کند؛ به گونه‌ای که این آموزش‌دهی در تمام موقعیت‌های طبیعی و روزانه زندگی، ساری و جاری شود.

منابع

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.

- ارغیانی، مصطفی (۱۳۹۹). مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای حس جمعی در فضاهای آموزشی دبیرستان. نشریه علمی فناوری آموزش، ۱۵(۱)، ۱۵۴-۱۶۴.
- استراس، آنسلم؛ و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). اصول روش تحقیقی کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و روش‌ها (بیوک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسماعیلی مبارکه، محمد (۱۳۹۱). روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- اعتصامی، محمدمهدی؛ و راصد، سعید (۱۳۹۰). مبانی و روش تدریس تعلیم‌وتربیت دینی در دوره ابتدایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱). تهران: مدرسه.
- بهروز، سید محمد؛ و ضرغامی، اسماعیل (۱۳۹۶). جایگاه طبیعت و فضاهای باز در یادگیری کودکان برمبنای مطالعه‌ای زیست‌گرایانه. پژوهشنامه مبانی تعلیم‌وتربیت، ۷(۲)، ۳۷-۵۸.
- بهشتی، سعید؛ و شکری‌نیا، محمدعلی (۱۳۹۰). جایگاه طبیعت در تربیت انسان از دیدگاه قرآن کریم. پژوهش در مسائل تعلیم‌وتربیت اسلامی، ۱۹(۱۲)، ۹-۳۸.
- حسین‌پور صباغ، داوود؛ شرفی، محمدرضا؛ علم‌الهدی، جمیله؛ و سوزنچی، حسین (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم موقعیت در رویکردهای تربیت ارزشی معاصر. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲)، ۱-۲۶.
- دانشمند، مرتضی (۱۳۹۰). امیران کوچک: روش‌های انتقال آموزه‌های اعتقادی. قم: عمو علوی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۸). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- شکوهری، غلام‌حسین (۱۳۶۹). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفایی موحد، سعید؛ و محبت، هدیه (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: آیتز.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن و روان‌شناسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰). آموزش مردم‌نگاری. تهران: علم.
- قاسم‌پور خوش‌رودی، عرفانه؛ تلخابی، محمود؛ دهقانی، مرضیه؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی تربیت معلم برمبنای نظریه شناخت موقعیتی. تازه‌های علوم شناختی، ۲۱(۴)، ۷۸-۵۸.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۷). تفسیر نور (جلد ۲). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

بهره‌گیری از ابعاد موقعیت در برنامه‌دستی آموزش دینی/ مریم شریفی دروازه و دیگران ۳۱

گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ و وگال، جویس (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (احمدرضا نصر و همکاران، مترجمان). تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

محمدی، علی؛ و محمدی، جمشید (۱۳۹۲). ادراک دانشجویان از محیط یادگیری و آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان. توسعه آموزش در علوم پزشکی، ۶(۱۱)، ۵۰-۶۰.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (نبرد حق و باطل، فطرت، توحید) (جلد ۴). قم: صدرا.

ملکی، حسن (۱۳۷۴). صلاحیت‌های حرفه‌معلمی: اجرای برنامه‌دستی: آموزش. رشد معلم، ۱۲(۱۱۲)، ۱۰-۱۲.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۷). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش ابتدایی. قم: اشک یاس.

Brown, J. S.; Collins, A.; and Duguid, P. (1989). Situated Cognition and the Culture of Learning. *Educational Researcher*, 18(1), 32-42.

Che Ahmad, C. N.; Osman, K.; and Halim, L. (2013). Physical and Psychosocial Aspects of the Learning Environment in the Science Laboratory and Their Relationship to Teacher Satisfaction. *Learning Environ Research*, 16, 367-385.

Greeno, J. G. (2014). Distributed Cognition (Phillips, D. C. Ed.). *Encyclopedia of Educational Theory and Philosophy*, 1, 239-241.

Kumpulainen, K.; and Renshaw, P. (2007). Cultures of Learning. *International Journal of Educational Research*, 46, 109-115.

Lave, J.; and Wenger, E. (1991). *Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation*. Cambridge: Cambridge University Press.

Milner, H. Richard (2010). *Culture, Curriculum and Identity in Education*. USA: Palgrave Macmillan.

